



28 سپتمبر 2024

داکتر سید عبدالله کاظم

سی و هشت سال قبل از امروز - تشکیل حکومت جلاي وطن توسط یک عده افغانها در امریکا

در این روزها موضوع تشکیل حکومت جلاي وطن که بعضیها آنرا زیر نام "حکومت در تبعید" و هم بنام "حکومت مؤقت" مسمی می‌سازند، در رسانه‌های افغانی بیرون کشور مطرح بحث گردیده و تبصره‌های زیاد در اطراف آن در رسانه‌های صوتی و تصویری و چاپی افغانی به نشر می‌رسند که یکی از موضوعات داغ روز را بین افغانها تشکیل میدهد. در این نوشته با انصراف از تکرار مباحثات جاری روی این موضوع، کوشش در آنست تا نگاهی به سابقه تاریخی اقداماتی انداخته شود که 38 سال قبل برای تشکیل حکومت "جلاي وطن" توسط یک عده افغانهای مهاجر در امریکا صورت گرفت. اما قبل از آن لازم است مختصری در مورد تفکیک مفهوم سه اصطلاح فوق‌الذکر مطالبی بعرض برسد.

"تبعید" یک مفهوم جرمی را افاده میکند و آنهم به حال آنعده اتباع یک کشور مربوط میشود که به دلیل یا دلایلی از طرف حکومت متبوعه خود محکوم به "نفی بلد" شده و مجبور به ترک وطن شده باشند و این عده اشخاص باهم در صدد تشکیل یک حکومت در خارج کشور می‌برایند که ماهیت یک "حکومت در تبعید" را افاده میکند. "حکومت جلاي وطن" مفهوم مشابه آنست، اما با این فرق که این نوع حکومت از طرف اتباع یک کشور که بنا بر خطریاتی و یا نا رضایتی از نظام حاکم در کشور خود، تصمیم به ترک وطن گرفته و به مهاجرت پرداخته و در آنجا به تشکیل یک حکومت اقدام میدارند. در حالیکه تشکیل "حکومت مؤقت" مفهوم متفاوت را بیان میکند و وقتی مطرح میگردد که کشور فاقد یک حکومت مشروع باشد و یا امکان و زمینه تشکیل یک حکومت به دلیل فقدان قانون اساسی و یا مشکلات دیگر در کشور میسر نباشد و برای رفع این نقیصه مردم یا نمایندگان شان در داخل کشور و یا بعضاً در بیرون کشور برای تشکیل یک حکومت مؤقت در قید یک زمان مشخص و به هدف ایجاد فضای قانونی برای تشکیل یک حکومت به تفاهم می‌رسند و یا اینکه در بعضی مواقع اینکار را با استعانت از مجامع بین‌المللی انجام میدهند که نمونه‌ای آنرا میتوان طی چند دهه اخیر در افغانستان در تشکیل حکومت مؤقت در بین تنظیم‌های مجاهدین افغان در فبروری 1989 در پشاور و نیز بار دیگر در نتیجه کنفرانس "بن" در دسمبر 2001 پس از سقوط طالبان در دوره اول مشاهده کرد.

با تذکره فوق‌الذکر اکنون برمیگردم با اصل موضوع یعنی اقدام به تشکیل "حکومت جلاي وطن افغانستان" بوسیله یک تعداد مهاجران افغان در ماه جون 1986 در ایالات متحده امریکا که در این نوشته به شرح مختصر جوانب مختلف آن با استفاده از اسناد منتشره در آنوقت به حیث یک بررسی تاریخی پرداخته میشود:

انگیزه‌های تشکیل حکومت جلاي وطن در امریکا:

مفکوره تشکیل "حکومت جلاي وطن افغانستان" در بین یک تعداد افغانهای مهاجر در ایالات متحده امریکا اساساً وقتی مطرح شد که رئیس جمهور آنوقت امریکا آقای رونالد ریگن به موضوع تقویه جهاد مردم افغانستان علیه قوای اشغالگر شوروی و رسیدن توافق مبنی بر خروج قوای آن کشور از افغانستان بیشتر از هر وقت دیگر عطف توجه کرد و در اثر تحولات مهم سیاسی در شوروی و رویکار آمدن گورباچف در راس آن دولت، مذاکرات دوامدار درباره چگونگی خروج قوای شوروی از افغانستان در "ژینوا" در جریان بود. رئیس جمهور ریگن در این موقع مهم و حساس سعی داشت بین سران تنظیمهای جهادی در مورد تشکیل هر چه زودتر یک حکومت مؤقت تفاهم ایجاد کند تا در صورت خروج قوای شوروی و سقوط حکومت نجیب، این

د پانو شمیره: له 1 تر 7

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابلئ. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلېکنې د لیکنيزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په څیر و لولئ

حکومت بتواند جانشین رژیم قبلی گردد. اما اختلافاتی شخصی و فکری که بین تنظیم های هفتگانه مجاهدین افغان در پشاور موجود بود، مانع تحقق این آرزومندی میگردید، طوریکه سران تنظیمها به مخالفت و رقابت یکدیگر عملاً موفق به تشکیل همچو حکومت نشدند. ریگن ناگزیر شد بعضی از سران مذکور را به تاریخ 16 جون 1986 به واشنگتن دعوت کند، چنانکه در قدم اول با استاد ربانی، حضرت صبغت الله مجددی، مولوی محمدی و پیر گیلانی و بعداً با مولوی خالص درقصر سفید ملاقات نمود (البته حکمتیار حاضر نشد در این دیدار اشتراک نماید). ریگن ضمن دیدار و صحبت از آنها خواست تا در تشکیل حکومت مؤقت هرچه زودتر به تفاهم و توافق برسند، اما با وجود این توصیه ها، تشکیل همچو حکومت با موانعی ذات البینی تنظیمها هنوز هم مشکل به نظر میرسید. لذا قبل از آمدن هیئت سران تنظیمهای مجاهدین در واشنگتن، مقامات امریکائی برای یک تعداد افغانهای مقیم آن کشور چراغ سبز را روشن کرد و ایشان را برای تشکیل یک حکومت جلائی وطن در امریکا تشویق و ترغیب نمود تا بدینوسیله بر تنظیمهای افغانی در پشاور فشار وارد شود و اختلاف ذات البینی را کنار گذاشته در تشکیل حکومت مؤقت عملاً اقدام نمایند، چنانچه عمق این موضوع را میتوان از لابلای قطعنامه های منتشره حکومت جلائی وطن به وضاحت استنباط کرد.

قطعنامه اول حکومت جلائی وطن افغانستان:

بتاریخ 27 جون 1986 یک تعداد افغانهای مهاجر در امریکا پس از مذاکره و تدویر چند جلسه مقدماتی تصمیم گرفتند تا در مورد تشکیل یک حکومت جلائی وطن اقدام نمایند و این تصمیم خویش را با انتشار یک قطعنامه ابلاغ کردند که متن آن در شماره 11 مورخ 3 جولای 1986 با عبارات ذیل به نشر رسید:

«هموطنان گرامی!

از مدت هفت سال و نیم باین طرف می بینیم که ملت به خون خفته ولی با شهامت ما با همه مشکلات مادی صرف بقوت ایمان و یقین بخاطر دفاع از دین، وطن و آزادی در مقابل ابرقدرت اهریمنی کمونیزم شوروی بادست خالی و شکم گرسنه مردانه می رزمند. چه آلام و مشقاتی نیست که ملت قهرمان ما در این راه به آن تن در داده و چه قربانیهای نیست که متقبل نشده است. بیش از یک ملیون افراد این ملت خداپرست در تحت بمباردمانهای وحشیانه قوای اشغالگر شوروی و اردوی رژیم مزدور کابل شهید گردیدند و ده ها هزار دیگر آن در زندانهای رژیم مزدور دون صفت کرملین یعنی باند خلق و پرچم به ترک وطن عزیز و دار و ندار خویش مجبوراً بخارج مهاجر و متواری گردیدند. اما این همه فداکاریهای ملت شجاع افغان بنا بر عواملی به موفقیت های متناسب منتج نگردیده است.

یکی از این عوامل تشنت و پراگندگی سیاسی در صفوف مقاومت ماست که متأسفانه شکل یک مرض مزمن و لاعلاج را بخود اختیار نموده است. ما در این مدت هفت و نیم سال نتوانسته ایم بخاطر آزادی وطن خویش از چنگ تجاوز گران کرملین باهم متحد شده و یک زعامت واحد ساسی را که برای موفقیت مبارزه و جهاد مقدس مردم ما اهمیت حیاتی دارد، بوجود بیاوریم. این تشنت و اختلاف و عدم اعتماد ما باعث آن شده که از نگاه سیاسی حتی از موجودیت مقاومت قهرمانانه ملت ما که غول استعمار شوروی را بزانو درآورده است، چشم پوشی شود و مردم ما نتوانند به مذاکراتی که بخاطر تعیین سرنوشت شان در ژینوا و مجامع بین المللی در جریان بود، نماینده اعزام بدارند و ما نتوانیم آنچه را شوروی متجاوز بالای مردم ما آورده است، طوریکه لازم است به جهانیان بازگو نمائیم و بالاخره ناسازگاریهای بیموجب منتج به آن شد که شوروی از فشارهای سیاسی جهانی که در صورت عدم موجودیت این نقیصه بر آن وارد شده میتواندست، ایمن بماند.

عامل دومی که مانع موفقیت های متناسب با فداکاری و جانبازیهای مردم ما شده است، همانا عدم موجودیت و هماهنگی لازم و نبودن مرکز واحد قومانده در داخل افغانستان است و این امر مهم باعث پراگندگی نیروهای ملی شده از مؤثریت جهاد مقدس ما در برابر ابرقدرت طاغوتی شوروی کاسته است. بادر نظر داشت اینکه از یک طرف این عوامل منفی در مقاومت ملت ما کمافی السابق موجود است و از طرف دیگر شوروی اشغالگر به ضربات خوردکننده بر پیکر ملت ما ادامه میدهد، هر انسان عاقبت اندیش به این نتیجه میرسد که اگر عوامل منفی متذکره مرفوع نگردد، نتیجه منطقی آن جز تسلط کمونیزم در افغانستان چیزی دیگر نخواهد بود.

د پانو شمیره: له 2 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولۍ

به همین اساس ما عده ای از افغانهای مقیم امریکا وظیفه دینی، ملی و تاریخی خود دانستیم تا با نثار خون خویش به رفع این نقایص اقدام نماییم. در جلسات متواتر و پی در پی که بخاطر جستجوی طرق رفع نواقص دائر کردیم، به این نتیجه رسیدیم که مؤثرترین راه رسیدن به هدف در شرایط موجود اقدام به تشکیل حکومت جلائی وطن افغانستان است و بس.

در حالیکه تسوید منشور حکومت جلائی وطن افغانستان در شرف تکوین بود، خوشبختانه فرصتی میسر شد که با محترم پروفیسور ربانی رئیس حزب جمعیت اسلامی، پروفیسور مجددی، جناب مولوی محمدی و آقای گیلانی که به امریکا تشریف آورده بودند، ملاقات بعمل آورده و در مورد امر خطیر حکومت جلائی وطن با ایشان مذاکره بعمل آوردیم. فردای آن در اجتماع افغانهاییکه بمنظور استقبال شان ترتیب یافته، سران محترم تنظیم های مجاهدین راه حق افغانستان چنین وانمود کردند که آنها نیز به خلائی سیاسی که از فقدان یک رهبری واحد در مقاومت ملت افغانستان به وجود آمده متوجه گردیدند و تصمیم گرفتند که در یکی دو ماه آینده به تشکیل یک شورا از طریق انتخابات بین مجاهدین و مهاجرین افغان در پاکستان این خلاء را پر نمایند.» (پایان قطعنامه اول حکومت جلائی وطن افغانستان)

منشور حکومت جلائی وطن افغانستان و اهداف آن:

متعاقب ابلاغ قطعنامه فوق الذکر اعضای بنیانگذار این مفکوره به نشر "منشور و اهداف حکومت جلائی وطن افغانستان" پرداختند تا بدانوسیله به ماهیت تشکیل مذکور وضاحت دهند و زمینه تسجیل آنرا مساعد سازند و بر مبنای آن برای توسعه و گسترش فعالیت های خود مدارکی در دست داشته باشند که اینک کاپی متن منتشره "منشور" با ذکر "اهداف" آن در ده ماده ذیلاً تقدیم میگردد:

بسم الله الرحمن الرحيم

منشور حکومت جلائی وطن افغانستان

با نیایش بی نهایت به بارگاه ایزد یکتا، با درود فراوان به پیشگاه سالار مجاهدین و مهاجرین و با اتحاف دعا به روح پرفتوح شهدای راه حق و آزادی و با ستایش بی پایان از قیام ملی که با وصف عدم توازن قوای عسکر اشغالگر شوروی و عمال دست نشانده را در سرتاسر کشور به ناکامی مواجه ساخته. با اظهار تأثر عمیق که از بدو کودتای ننگین هفت ثور 1357 و بخصوص بعد از تجاوز مسلحانه شوروی امپریالیستی، شهرها، قراء و قصبات ما بخاک یکسان گردیده، بیشتر از یک میلیون خواهر و برادر ما به شهادت رسیده و مزید برینچ میلیون مردم ما به کشورهای خارج به مهاجرت مجبور شده اند. با در نظر داشت این اصل که رژیم دست نشانده روس هیچ نوع مشروعیت نداشته و تنها با موجودیت بیشتر از یکصد و پنجاه هزار عسکر مسلح شوروی اشغالگر اظهار وجود مینماید. با در نظر داشت اینکه مقدرات سیاسی ملت افغانستان در مذاکرات غیرمستقیم ژینوا و مجامع بین المللی بدون حضور نمایندگان مردم مجاهد ما تعیین میگردد. با احساس این امر که مبارزه و مقاومت و قربانیهای پیوسته با کامیابی ملت قهرمان ما متأسفانه با ابتکارات و اقدامات مماثل سیاسی و دیپلماتیک همراهی و تقویه نشده است. بادرک این واقعیت که یک زعامت متحد ملی در راه حصول آزادی افغانستان میتواند درین فرصت دشوار نقش حیاتی را بازی نماید. باایمان راسخ بخداوند تبارک و تعالی، باتوجه به آرزومندی و تمنیات مبرم هموطنان عزیز برای تشکیل یک زعامت متحد و مفاهمه با رهبران تنظیم های مقیم پاکستان و ایران تصمیم گرفته شد که به تشکیل حکومت جلائی وطن اقدام بعمل آید.

اهداف

حکومت جلائی وطن افغانستان بمنظور تأمین اهداف ذیل تشکیل میگردد:

- 1- اخراج فوری و بلاقید و شرط تمام قوای شوروی از افغانستان و استرداد استقلال کشور.
- 2- تأمین حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشور.

د پانو شمیره: له 3 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوای. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

- 3- تأمین حق تعیین سرنوشت و خود ارادیت مردم قهرمان افغانستان.
- 4- حفظ هویت اسلامی و ملی مردم افغانستان.
- 5- توحید و انسجام تمام نیروهای مقاومت افغانستان و بوجود آوردن مرکز قومانده واحد.
- 6- تهیه منابع مالی و مهمات و سلاح های مؤثر برای مجاهدین و بذل مساعی برای تهیه کمکهای بشری به فامیل های شهدا در داخل و خارج کشور.
- 7- دفاع از منافع ملی افغانستان در سطح ملی و بین المللی.
- 8- جلب و پشتیبانی کشورهای دوست و آزادی خواه و اقدامات لازم در راه استرداد استقلال افغانستان و برقراری روابط با آنها.
- 9- اقدام غرض احراز کرسی افغانستان در ملل متحد و سایر مجامع بین المللی.
- 10- تبلیغ و معرفی وضع جهاد و افشای جنایات شوروی و عمال دست نشانده آن به سطح جهانی.

معرفی عده ای از بنیانگذاران "حکومت جلای وطن" در امریکا:

در اسناد منتشره "افغان نیوز" که گویا حیثیت اورگان رسمی این حکومت را داشت و تحت مدیریت شخصی مشهور به خان ضیاءخان نصری به زبانهای دری و انگلیسی در نیویارک به نشر میرسید، از جمعاً 35 نفر بدون ذکر اسمای هریک به حیث بنیانگذاران "حکومت جلای وطن افغانستان" یاد گردیده و در یک فوتوی منتشره (در شماره 11 - ماه جولای 1986) افغان نیوز 18 نفر شخصیت های آن گروپ قرار ذیل معرفی شده اند:



صف اول نشسته از چپ به راست: داکتر ضیاء جاغوری، داکتر نجیبه صافی، داکتر نیک محمد کامرانی، منجم محمد ابراهیم قندهاری و سناتور محمد اسمعیل مایار والی اسبق کابل؛ صف دوم ایستاده: داکتر سید شفیع راحل سابق وزیر فرهنگ و کلتور، عبدالستار سلام تاجر، اکمل غنی احمدزی سابق وزیر مختار، غلام حسین صافی سابق والی [پسر غلام حسن خان صافی]، پروفیسور سعدالدین شپون عضو پشتو تولنه، انجنیر نورالحق حریف مجاهد و عضو بیروی سیاسی اتحاد سه گانه پشاور؛ صف سوم: داکتر عبدالواحد کریم سابق سفیر کبیر افغانستان در واشنگتن، عبدالجبار ثابت، عبدالاحد کرزی سابق معین شوری، سیدحسین شاه تاجر، محمد

د پانو شمیره: له 4 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ

حبیب مایار تاجر، داکتر نجیب الله امرخیل؛ نشست به زمین: خان ضیاء خان نصری مؤسس افغان فونڈیشن و افغان نیوز.

برعلاوه اعضای فوق الذکر، اسمای یک تعداد دیگر از هموطنان به حیث عضو این تشکیل در بعضی از گزارشات انفرادی که به حیث شبنامه و نظیر آن انتشار یافته، ذکر شده است که مشتمل بر اشخاص ذیل میباشند: سناتور اکبری، داکتر حبیب الله تزی، محمد امین واکمن، داکتر مومند [؟]، زلمی عزیز [سابق مامور وزارت خارجه و قبلاً داماد داکتر عبدالظاهر صدر اعظم اسبق]، داکتر شیر علی مسکینیار، حیدر علی پیکار، محمد یوسف مهردل سابق سفیر و دونفر دیگر از فامیل داکتر واحد کریم، هریک جیلانی علمی و شاه جان دشنه علمی.

قطعنامه شماره دوم حکومت جلائی وطن افغانستان:

این قطعنامه در شماره 12 ماه سپتمبر 1986 در ماهنامه "افغان نیوز" به نشر رسیده است که برای اجتناب از طوالت کلام صرف چند نکته مهم آنرا در اینجا اقتباس میدارم. قطعنامه پس از آنکه به تجاوز خونبار شوروی در افغانستان اشاره میکند، از جهاد مردم افغانستان در برابر قوای متجاوز چنین یادآور میشود: «کارنامه جهاد برحق ملت خداپرست افغان، قربانیها و جانبازیهای هریک از مجاهدین، قوماندانان جهاد و رؤسا و اعضای تنظیمهای مجاهدین را تاریخ با خطوط درشت ثبت خواهد کرد...» قطعنامه می افزاید: «از بدو تجاوز استعمارگران روس قاطبه مردم غیور ما ضرورت مبرم یک رهبری واحد نظامی و سیاسی را بوضاحت احساس نمودند و دریافتند که نظر بفقدها چنین یک رهبری فداکاریها، جانبازیها و ریختن خون پاک صدها هزار برادر و خواهر بیگناه ما نتوانست چه در میدان نبرد و چه در صحنه های سیاسی و دیپلماتیک پاداشی را که سزاوار چنین قربانیهاست، حاصل نماید. تشکیل یک رهبری واحد یا حکومت جلائی وطن اقدام حیاتی است که می بایست سالها قبل انجام می پذیرفت و اکنون نیز نباید به آینده نامعلومی موکول گردد. وخامت اوضاع فوریت و لزوم این اقدام را به نیکی تأیید می نماید.....»

در ادامه قطعنامه آمده است که: «ادعای کشورهای اسلامی و دیگر کشورهای دوست، جانبداری مؤثر شانرا منوط به موجودیت حکومت جلائی وطن میدانند. اوضاع داخلی پاکستان که تأثیر مستقیم بالای جهاد ملت افغانستان دارد و عدم سهمگیری نمایندگان قانونی افغانستان در مجامع بین المللی و مذاکرات ژینوا از جمله شواهدیست که اولویت تلاشهای اثربخش و جدی را در راه تشکیل یک حکومت جلائی وطن بخوبی روشن می سازد...» قطعنامه خطاب به هموطنان می افزاید: «عده ای از برادران و خواهران شما با احساس مسئولیتی که در برابر خداوند (ج) و افغانان عزیز دارند...، با قبول دشواریهایی که روبرو اند، تصمیم گرفتند تا با قیمت جان اقدامات صادقانه و جدی را در راه فراهم آوری زمینه انتخاب و تشکیل حکومت جلائی وطن افغانستان از طرف یک جرگه ملی مبذول دارند. اعضای جرگه ملی را سران تنظیمهای مقیم پاکستان و ایران، برجسته ترین قوماندانان جهاد، روحانیون، علما، اهل خبره، نمایندگان اقوام مختلف و اعضای پارلمان و مامورین سابق تشکیل خواهد داد.»

نکته عمده در این قطعنامه انتقاد بر اتحاد تنظیمهای افغان در پاکستان است، به این عبارت که: «در این ساعات پر تلاطم تاریخ کشور که ایجاب می نماید تا منافع ملی را مرجح دانسته و در برابر مهاجمین شرارت پیشه دست بهم داده و متحد شویم، عواملی چند در راه تحقق یافتن اتحاد واقعی در بین تنظیمهای مقیم پاکستان، حایل گردیده است. در جریان سالهای طولانی و خونین جهاد عوامل مذکور نه تنها مرتفع شده نتوانست؛ بلکه افزایش کمی و کیفی نیز حاصل کرد.»

در پایان قطعنامه آمده است: «بادر نظر داشت پهنای دشواریهایی که با آن مواجه هستیم، تدبیر دیگری جز تأسیس حکومت جلائی وطن در افق تقلا برای آزادی بنظر نمیرسد که بتواند حلال همه مشکلاتا گردد. بیایید تا با همکاری و تساند، قصور و کوتاهی های همدیگر را رفع نمود و در راه آزادی وطن عزیزمان در یک صف واحد گردهم آئیم...»

پخش "شبنامه ها" و عکس العمل های انتقادی در برابر تشکیل حکومت جلائی وطن افغانستان:

از آغاز فعالیت جهت تأسیس و تشکیل حکومت جلائی وطن و انتشار دو قطعنامه و ادامه تماس ها با مراجع مختلف و شخصیت مهم افغان به شمول پادشاه سابق، عکس العمل ها و انتقادات زیاد در برابر این جریان از طرف هموطنان و نیز بعضی تنظیمهای جهادی بظهور پیوست که ذکر همه آنها در اینجا از یکطرف به طول کلام می افزاید و اما از طرف دیگر ذکر بعضی مطالب آن که انتقاد برگزیده ها و سوابق شخصی و کاری بعضی از شخصیت های عضو این حکومت را در محتوی دارد، به دلیل حرمت به کسانی که اکنون در بین ما نیستند و این جهان را وداع گفته اند، لازم به تذکر نمیباشد. صرف طور نمونه از بعضی نکات مندرج آن نوشته ها با اختصار در اینجا یاد آور می شوم:

همزمان با پخش خبر تشکیل حکومت جلائی وطن، اولین عکس العمل از طرف "مرکز اطلاعاتی مقاومت افغانستان" از شهر الکساندریه - ویرجینیا طی یک اعلامیه تاپی متعاقب سفر سران تنظیمها به امریکا و ملاقات با رئیس جمهور ریگن پخش شد که در یک قسمت آن آمده است: «طوری که رهبران جهاد اخیراً اعلام داشتند، مجاهدین افغانستان با درک اهمیت جهاد در ساحه سیاست بین المللی گامهای جدی و ثابت برای نفی حرکات و اقدامات کمونیست ها برداشته اند، با عقیده به این اصل که هیچ قدرت خارجی حق تعیین سرنوشت سیاسی افغانستان را ندارد. مجاهدین با شهادت افغان تصمیم به تأسیس شورای اسلامی و ملی گرفته اند.» در ادامه این اعلامیه بر تشکیل حکومت جلائی وطن با این عبارات صریحاً انتقاد بعمل آمده است، از اینقرار: «بر ماست که هر نوع اقدامی را که هدف انحصار سیاسی داشته و غیرمردمی باشد، شدیداً تقبیح نمائیم، چنانچه اخیراً یک عده اشخاص ستیزه جو و غیرواقف از واقعیت ها دست به یک سلسله اعمال جدال آمیز تحت عنوان حکومت جلائی وطن زده اند که سنگ اندازی در راه موفقیت جهاد شمرده میشود. از آنجائیکه مسایل ملی فقط مربوط و منوط به ملت افغانستان است، چنین اقدامات بایست با ملت و نمایندگان ملت در میان گذاشته شود و الا ضیاع وقت و انرژی چیزی بیشتری نیست.» (متن مکمل این اعلامیه را با یک کاپی دست نویس مصوبه شورای عالی اسلامی مجاهدین - مورخ 26 می 1986 در ده ماده، مزین با امضای سران هفت تنظیم جهادی در پشاور که در اعلامیه فوق الذکر به آن اشاره شده است، در آرشیف خود دارم.)

پخش یک نوشته دست نویس در 4 صفحه تحت عنوان "شبنامه از ویرجینیا" از طرف "جبهه آزادی افغانستان" - مورخ 25 جولای 1986، حاوی مطالبی انتقادی بر سوابق کاری بعضی از اعضای بنیانگذار حکومت جلائی وطن است که بدلیل شدت کلام از نقل قول آن در اینجا منصرف می شوم. به همین ترتیب از ذکر مطالب مندرج چند شبنامه دیگر که کاپی آنها نزد من موجود است، صرف نظر میگردد.

یک نشریه تاپی در سه صفحه نکات مهمی را دربر دارد که از طرف شخصی بنام "تلفونوال" در کلیفورنیا بتاريخ 14 جون 1986 به نشر رسیده که در شروع آن آمده است: «از دو روز باینطرف عده بی وطندارن خصوصاً دوستان کلیفورنیای شمالی که به واشنگتن تماس نداشته اند و تشنه اخبارند، در مورد جلسات اخیر واشنگتن چیزهایی شنیده و در زمینه از من معلومات میخواهند. مخابره تلفونی و بیان جزئیات شنیدگی ها بهمه دوستان روزها را دربر خواهد گرفت. خانه دوستانی آباد که ساعتها وقت و مصرف تلفون را تحمل فرموده، رویداد را بمن گزارش داده اند که خلاصه و فشرده آن قرار ذیل است.» البته این نکات طی سه صفحه تاپی نوشته شده که یک کاپی آنرا نزد خود دارم و ذکر مطالب آن در اینجا موجب طول کلام میگردد، اما دو موضوع مهم را از این گزارش اقتباس میدارم:

- یکی در باره تماس با شاه سابق که چنین تذکر رفته است: «در ختم این مجالس، اراکین نزد شاغلی سلطان محمود غازی رفته از او خواهش نمودند تا در جلسه آینده اشتراک بورزد و هم از او خواستند با پادشاه مستعفی تماس گرفته پیام افغانهای امریکا را برای قبول زعامت به او برسانند... شاغلی سلطان محمود غازی از اشتراک در مجلس آینده [حکومت جلائی وطن] معذرت خواسته پیام منفی پادشاه مستعفی را نیز به اراکین تسلیم داد. پادشاه مستعفی در پیام خود سفارش نموده تا افغانها اول بین خود جور بیابند و حکومتی را تشکیل

کنند که در آن بهمه طبقات مردم سهم داده شود و آنگاه برای خود زعیمی انتخاب نماید که مورد تأیید مردم باشد...»

- دیگر در مورد تشکیلات حکومت جلائی وطن در گزارش چنین تذکار رفته: «جلسه 35 نفری بعد از بحث بالای پیشنهاد تشکیل حکومت جلائی وطن از بین حاضرین مجلس را (به نمایندگی از 17 میلیون نفوس افغانستان) متشکل از یک رئیس، دو معاون و سه وزارت خانه (وزارت حربیه، وزارت خارجه و وزارت امور مهاجرین) به اکثریت آراء تصویب نموده شاعلی دکتور نیک محمد کامرانی را بحیث رئیس حکومت جلائی وطن و دکتور عبدالواحد کریم را به حیث معاون اول انتخاب نموده و وظیفه دادند تا بمنظور تحقق دادن فیصله مذکور دست بکار شوند.»

همچنان بتاريخ 20 جولای 1986 تحت نام "آژانس مردم - بوبو وطن" نشریه دیگری که شکل یک رساله را دارد، در ده صفحه تایپ شده از الکساندریه - ویرجینیا - زیر عنوان "رویای خواب عمیق" پخش گردید. در این گزارش حکومت جلائی وطن را بطور طنزگونه با نام "بوبو وطن" (با الهام از جبهه "پدروطن" ببرک کارمل در کابل) مسمی ساخته و با همین نام از قول گردانندگان مهم حکومت جلائی وطن مطالبی را طی پراگرافهای جداگانه نقل قول وبه ابراز نظرهای متفاوت پرداخته که اکثر آن وجه انتقادی داشته و در بعضی موارد با ذکر مسایل خصوصی افراد همراه بوده است. نا گفته نماند که نویسنده اصلی رساله "رویای خواب عمیق" بعداً معلوم شد که مرحوم داکتر سیدخلیل الله هاشمیان - ناشر، مدیرمسئول و صاحب امتیاز مجله معروف "آئینه افغانستان" بود که با نشر آن مجله از دسمبر 1989 تا سالهای بعد خدمات بزرگ اطلاعاتی و خبری را انجام داد. (خدا رحمتش کند)

عمر کوتاه و کار بی نتیجه:

حکومت جلائی وطن افغانستان همانطوریکه بعد از تشکیل به سرعت سر زبانها افتاد، عمرش مثل حباب کوتاه وبدون آنکه مثمیری داشته باشد، زود از میان رفت. البته عمر کوتاه این اقدام برمیگردد به انگیزه های اصلی تشکیل آن که در آغاز این نوشته به آن اشاره شد. همچنان تشبث چند نفر در راس اینکار که در بین مردم از اعتبار لازم برخوردار نبودند و نیز امید هریک از گردانندگان اصلی برای کسب ریاست آن موجب اختلاف نظرهای داخلی گردید و در عین زمان این اقدام نتوانست مورد توجه و حمایت شخصیت های سر شناس افغان از جمله شاه سابق و یک عده دیگر قرار گیرد، عواملی دیگر بودند که مانع پیشبرد این اقدام گردیدند. با آنکه تعداد مهاجرین افغان در آنوقت در امریکا زیاد نبود و نیز کسب معلومات به دلیل فقدان اطلاعات جمعی از قبیل مجلات، رادیوها و یا برنامه های منظم تلویزیونی افغانی، اخبار تشکیل این حکومت را صرف درحلقات افغانها مقیم نیویارک و ویرجینیا که در آنوقت تعدادی نسبتاً زیادتر افغانها آنجا اقامت داشتند، منحصر و محدود ساخت که افغانهای مقیم دیگر ایالات امریکا از آن اطلاع لازم نداشتند. در عین زمان عکس العمل های منفی و انتقادی افغانها که از طریق نشر شبنامه ها و امثال آن بر علیه این اقدام پخش شدند، نیز موقف آنرا نزد افغانها خدشه دار کرد. از همه مهمتر انعکاس این اقدام در بین تنظیمهای مجاهدین مقیم پشاور نیز منفی و حتی جدی بود و اینکه این تشکیل بیشتر به حیث یک وسیله فشار بر آن تنظیم ها پنداشته می شد تا هرچه زودتر در مورد تشکیل یک حکومت مؤقت به تفاهم برسند، ماهیت حکومت جلائی وطن را از هدف به وسیله تقلیل داد.

خلاصه عوامل فوق در مجموع بر افول ستاره این اقدام اثر فوری گذاشت و بسرعت آنرا از هم پاشید و جز چند سند تاریخی منتشره در افغان نیوز و بعضی شبنامه ها و یادداشتهای شخصی دیگر اثری از آن باقی نماند. این تجربه ناکام تاریخی در مورد تشکیل همچو حکومت ها در خارج که در این روزها بار دیگر سر زبانها افتاده و هر گروه در صدد تشکیل آن برآمده است، میتواند یک مثال تاریخی باشد که باید از آن آموخت.

(پایان)